

پژمان، نزدیک سیمرغ شد

پژمان جمشیدی، فوتبالیست دهه هفتاد تیم پرسپولیس، که به تیم ملی هم رسیده بود، حالا به موفقیتی ویژه‌تر از دوره فوتبالش، در سینما رسیده است. او که در فوتبال، هیچ‌گاه نامزد بهترین بازیکن سال نشده بود، در جشنواره فجر، به عنوان نامزد کسب جایزه بهترین بازیگر مکمل مرد شد. او که در سریال پژمان، نمایش بسیار خوبی داشت، در فیلم کم‌دی «خوب، بد، جلف» هم بازی خوبی از خود به نمایش گذاشت و حالا در سال ۹۶، بازی‌اش در فیلم سو«تفاهم دیده شد و داوران جشنواره، او را نامزد کسب جایزه کردند. هرچند که حاشیه‌های این انتخاب، زیاد بود در نهایت اما این جایزه با انتخاب داوران، به جمشید هاشم‌پور رسید.

یکشنبه ● ۲۹ بهمن ۱۳۹۶ ● شماره صد و چهل‌ودو

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

استمفورد بریج؛ برزخ بارسلونا

مرحله یک‌هشتم‌نهایی لیگ قهرمانان اروپا، یک بازی حساس برای بارسلونا دیداری که می‌تواند مرز بین بهشت و جهنم‌شان در سال‌آتی را مشخص کند



● مهدی شادمانی ●

● shadmanimehdi@gmail.com ●

حالا مدت‌هاست که نویسنده‌ای در تاسف از شرایط بارسا ننوشته. والورده، کاری با تیم آبی‌اناری‌پوش کرده که گویا همه مشکلات، کنار رفته‌اند و حالا آنها با قدرت به سمت قهرمانی پیش می‌روند. از شروع کابوس‌وار فصل، برابر رئال، کسی چیزی به خاطر نمی‌آورد و همه منتظر پایان لیگ هستند، برای جشن‌های قهرمانی. اما همه چیز بستگی به بازی لندن دارد. بارسا در لالیگا، دو مساوی پشت سرهم مقابل اسپانیول و ختافه داشته و همه زنگ خطر را از دور می‌شنوند. هرچند بارسا در این فصل، یک‌بار دیگر هم مقابل والنسیا و سلتاویگو، تساوی‌های متوالی داشته، اما حالا یک‌هشتم‌نهایی لیگ قهرمانان هم در راه است. طرفداران بارسا، روز سه‌شنبه، بازی را با دقت نگاه خواهند کرد، دیدار رفتی که می‌تواند تکلیف ادامه فصل را تا حد زیادی مشخص کند.

■ آماده‌ترین بارسا

والورده، تیم بارسلونا را با تغییراتی اساسی مواجه کرده؛ تغییراتی که شاید بشود مثال وطنی‌اش را در پرسپولیس برانکو پیدا کرد. تیم برانکو، یک فصل و نیم، زیبا بازی کرد و حالا دوفصل است که بازی به بازی، از کیفیت بازی‌اش کاسته می‌شود اما در عوض، در نتیجه‌گیری، مدام بهتر



۱۵ |

ورزش‌اش

با حاشیه، بی‌حاشیه

پیش رفته است. این تیم، همین حالا هم در بهشت است، مگر اینکه برزخ لندن، شرایطش را نامطلوب کند.

■ چلسی ناآماده

دیگر اثری از تیم قهرمان، باقی نمانده؛ یعنی اگر به کسی بگویید که این تیم، همان قهرمان سال گذشته لیگ‌برتر انگلیس است، شاید باورش هم نشود. آنها هرچند در نقل و انتقالات خوب ظاهر شدند و با جذب موراتا-که با ده گل زده، بهترین مهاجم‌شان است- تقویت ویژه‌ای داشتند، اما واقعیت را امتیازهای چلسی نشان می‌دهد. تیم لندن، از ۲۶ بازی، ۵۰ امتیاز گرفته و ۲۲ امتیاز از منچسترسیتی صدرنشین، عقب است؛ تیمی که در رتبه چهارم و پنجم لیگ‌برتر، در حال رفت‌وآمد است و حقیقتا معلوم نیست بتواند سهمیه لیگ قهرمانان سال آینده را هم به دست بیاورد. آنها در ۵ هفته اخیر و تا پایان هفته بیست و ششم لیگ برتر، فقط یک پیروزی و دو تساوی داشته‌اند و دو بازی را هم با شکست پشت سر گذاشته‌اند. کوتاه، به‌خاطر

این نتایج، در آستانه اخراج است. با این همه، امید چلسی و سرمربی‌اش، به همین دیدار با بارساست. آنها تصمیم گرفته‌اند که با پیروزی مقابل بارسا، از بحران خارج شوند.

■ بحران بارسا کجاست؟

بارسا در ۴ بازی آخر خود تا هفته ۲۳ در لالیگا و کوپا دل‌ری، ۳ گل زده و این علامتی بحرانی، برای بارسای گلزن است؛ آن هم در برابر تیمی مانند چلسی که حتی در سال‌های اوج بارسا، با مربیانی چون هیدینک و مورینیو، سد محکمی بوده است. انگار چلسی در لیگ قهرمانان، مامور زجر بارسا است و حالا در روزهای کم‌فروغ خط حمله بارسا، مقابل این تیم قرار می‌گیرد. بارسا دو راه در این مسابقه دارد؛ یا پیروز شود و به مسیرش در راه قهرمانی ادامه دهد و یا شکست بخورد و حتی خطر از دست‌دادن لالیگا را هم تجربه کند. بارسا هرچند مقابل چلسی قرار می‌گیرد، اما تیم‌نگاهی هم به نتایج رئال، در مسابقه رفت و برگشت دارد. اگر رئالی‌ها شکست بخورند و بارسا پیروز شود، تنها تیمی که می‌تواند بارسا را از قهرمانی در لیگ قهرمانان باز نگه‌دارد، پاریسن ژرمن است. بارسا به دیدار رفت در استمفوردبریج، مانند برزخی نگاه خواهد کرد که بهشت پشت پیروزی‌اش، بسیار خواستنی و جهنم بعد از شکستش، غیرقابل تحمل است؛ دیداری که سه‌شنبه در لندن برگزار می‌شود و می‌تواند سرنوشت دو تیم را تغییر دهد.



● اوج گیری قوها



رئال مادرید، پس از مدت‌ها که در بحران به سر می‌برد، حالا چند بازی است که خوب نتیجه می‌گیرد. رئال مادرید، در آخرین دیدار خود، ۵ بر ۲ رئال سوسیه‌داد را شکست داد که در این بازی، درخشش رونالدو محسوس بود. در روزهایی که قیپ سستی‌ان‌ها در اوج به سر می‌برد قوهای سفید مادرید به فکر جمع‌وجور کردن خود افتاده‌اند.

● اثرات شبکه‌های اجتماعی



فقط چندساعت بعد از اینکه کمپانی سامسونگ اعلام کرد که هدیه ویژه‌اش را به ورزشکاران ایرانی نمی‌دهد، هشتگ تحریم محصولات این کشور، در شبکه‌های اجتماعی به اوج خود رسید و آنها را مجبور به عقب‌نشینی کرد. هرچند مسئولان، مکاتبات خود را دلیل اصلی این عقب‌نشینی می‌دانند، اما از حمایت مردمی، نمی‌توان عبور کرد.

● حمله به سفیر



حضور سرمربی تیم‌ملی در کمپین تبلیغاتی یک بانک، با واکنش‌های منفی رسانه‌ای مواجه شده؛ واکنش‌هایی که به نتیجه‌گیری تیم‌ملی، هیچ ارتباطی ندارد. منتقدان کی‌روش، عدم حضور او را در استادیوم‌های کشور به‌منظور آنالیز بازیکنان و انگیزه‌دادن به آنها، دلیل اصلی انتقادهای خود می‌دانند.

● قاعده بازی

● مصطفی شوقی ●

شخصیت قهرمان ساز در فوتسال

از سال ۱۹۹۹ که تیم ایران، اولین جام قهرمانی ملت‌های آسیا را بالای سر برد، تا اسمال که برای دوازدهمین بار، کاپیتان تیم ملی فوتسال ایران-علی اصغر حسن‌زاده- این جام را روی سرش گرفت، فوتسال ایران همیشه و همیشه، آقای فوتسال آسیا بوده است. در ۱۵ دوره گذشته، ایران فقط سه‌بار قهرمانی را از دست داده که اولین بارش، در سال ۲۰۰۶ بود؛ جایی که ایران در این مسابقات، به رتبه سوم رسید و زنگ خطر برای این رشته به صدا درآمد؛ تا همه تصور کنند که قهرمانی‌های ایران -که تا آن سال، ۷ عدد بود- با نسل طلایی بوده و همه چیز درحال از دست‌رفتن است.

آن‌روزها، همه موفقیت تیم‌ملی ایران را حاصل فوتبال‌های کوچک و خیابان می‌دانستند؛ مسابقاتی که به «گل کوچک» مشهور است و انگار موفقیت در آن، در خون ایرانیان است. از دست‌رفتن قهرمانی مسابقات در آن دوره، تحلیل‌های عجیب و غریبی به همراه داشت؛ تحلیل‌هایی در مورد اینکه چون فوتبال گل کوچک در خیابان‌ها کم‌رنگ شده، قهرمانی‌های فوتسال هم از دست ایران رفته و ... اما حالا و ۱۲ سال پس از آن اتفاق، ایران همچنان بهترین تیم فوتسال آسیا به حساب می‌آید و به ۵ قهرمانی دیگر هم رسیده است. این موفقیت اما بیش از آنکه به موفقیت‌های گل کوچکی مربوط باشد، به محبوبیت ویژه این ورزش در ایران و به‌روبودن تیم ملی مربوط است. هرچند مسابقات گل کوچک خیابانی، تقریبا منقرض شده، اما نسلی که فوتبال گل کوچک بازی می‌کردند، خیلی‌زود به فوتبال سالی‌روی آوردند و این مسابقه، در میان جوانان ایرانی، محبوبیتش را حفظ کرد. در جریان بازی ایران و ژاپن، یک کاربر توئیت کرده بود: «بزنید شبیه ۳! ژاپن و ایران، سالن اجاره کرده‌ن، دارن فوتسال می‌زنن!» این توئیت، جام‌نامه موفقیت ایران در فوتسال است؛ ورزشی که روحش را در میان مردم حفظ کرده و سبب شده که رشدش، ادامه‌دار باشد. این البته فقط قصه فوتسال نیست؛ بلکه تمام رشته‌ها -چه فوتبال چه کشتی و چه حتی والیبال و تکواندو- همیشه در ورزش ایران، نان توجه گسترده مردم را خورده‌اند. امکانات مناسب، توجه مردمی و لیگ منظم، جزء ملزومات ویژه موفقیت در هر ورزشی است و در همه این ورزش‌ها، چنین شرایطی وجود دارد. اما در این بین، فوتسال به موفقیتی رسیده که هیچ‌کدام از ورزش‌های دسته‌جمعی دیگر، به آن نرسیده‌اند. کسب ۱۲ قهرمانی در آسیا، یک مقام سوم و یک مقام چهارم در جام جهانی، رتبه‌هایی هستند که هیچ‌کدام از ورزش‌های پرتعداد و گروهی ایرانی، به آن نرسیده‌اند. شاید اگر قرار باشد متصفانه‌تر صحبت کنیم، در میان همه ورزش‌ها، کشتی -که ورزشی انفرادی است- به چنین جایگاهی رسیده اما این ورزش، کاملا بومی محسوب می‌شود و موفقیتش در مسابقات، جزء واجبات است. در میان ورزش‌های دیگر، رشد والیبال و فوتسال، تقریبا شبیه هم بوده، والیبال در سال‌های اخیر، رشدی ویژه داشته و در آسیا، به یک‌گول تبدیل شده و حالا از روی موفقیت خود، موفقیت ضرب می‌کند. در والیبال، ایران با ستاره‌هایش از آسیا فاصله گرفته و در مسابقات قاره‌ای، تیم دومش را برای قهرمانی به‌مسابقات می‌فرستد. داستان فوتسال اما کمی متفاوت است. از زمانی که فوتسال در آسیا شروع شد، ایران را به عنوان قهرمان خودش دید. این قهرمانی‌های پی‌درپی، وقتی که به سال هفتم رسید، یک شخصیت قهرمان برای تیم ملی فوتسال ساخته بود. حتی یک مقام سومی در سال ۲۰۰۶، سبب نشد که نوار قهرمانی‌ها پاره شود. حالا شخصیت قهرمان ایران، برای خودش قهرمانی می‌آورد.

در کنار اینها نمی‌شود از لیگ منظم، مربی مسلح به دانش روز و تمرینات تیم ملی گذشت اما هرچه که هست، شخصیت قهرمان تیم ملی، بزرگ‌ترین حامی ایران است؛ ویژگی‌ای که ایران را به چیزی بزرگ‌تر از برزیل آسیا تبدیل کرده است. چون قهرمانی‌های فوتسال ایران در آسیا، بیش از قهرمانی‌های فوتبال برزیل در آمریکای جنوبی است.